

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	بیان مسأله
۲	اهمیت موضوع
۲	اهداف تحقیق
۳	سؤالات تحقیق
۳	فرضیات تحقیق
۴	پیشینه‌ی تحقیق

فصل اول: کلیات

۷	۱-۱ مفاهیم و تاریخچه
۷	۱-۱-۱ مفهوم مسئولیت مدنی و ارکان آن
۸	۱-۱-۱-۱ مفهوم مسئولیت مدنی
۹	۱-۱-۱-۲ ارکان مسئولیت مدنی در حقوق ایران
۹	۱-۱-۱-۳ ارکان مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان
۱۶	۱-۱-۲ مفهوم مسئولیت پزشکی و انواع آن
۱۶	۱-۲-۱-۱ مفهوم مسئولیت پزشکی
۱۶	۱-۲-۱-۲ انواع مسئولیت پزشکی
۱۷	۱-۲-۲-۱-۱ مسئولیت اخلاقی
۱۹	مسئولیت انتظامی
۲۱	۱-۲-۲-۲-۱-۱ مسئولیت کیفری
۲۳	۱-۲-۲-۲-۱-۲-۱-۱ مسئولیت مدنی
۲۴	۱-۱-۳ تاریخچه‌ی مسئولیت مدنی پزشکی

- ۱-۳-۱-۱ تمدن‌های اولیه ۲۵
- ۱-۳-۱-۲ تمدن‌های باستانی ۲۶
- ۱-۳-۱-۳ تمدن اسلامی ۳۰
- ۱-۳-۱-۴ عصر جدید ۳۱
- ۲-۱ نظریه‌های مربوط به مبنای مسئولیت مدنی ۳۲
- ۱-۲-۱ نظریه‌ی ایجاد خطر ۳۲
- ۲-۲-۱ نظریه‌ی خطا یا مسئولیت مبتنی بر تقصیر ۳۴
- ۳-۲-۱ تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی ۳۴
- ۳-۱ انواع مسئولیت مدنی ۴۰
- ۱-۳-۱ مسئولیت مدنی قراردادی ۴۱
- ۱-۱-۳-۱ شرایط حصول مسئولیت مدنی قراردادی ۴۲
- ۲-۱-۳-۱ نقش تقصیر در مسئولیت مدنی قراردادی ۴۴
- ۲-۳-۱ مسئولیت مدنی غیر قراردادی در حقوق ۴۷
- ۳-۳-۱ بررسی مبنای مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی در رابطه‌ی پزشک و بیمار ۴۹
- ۱-۳-۳-۱ دیدگاه فقه اسلامی ۵۰
- ۱-۱-۳-۳-۱ فقه اهل سنت ۵۰
- ۲-۱-۳-۳-۱ فقه امامیه ۵۲
- ۲-۲-۳-۳-۱ حقوق ایران و انگلستان ۵۳
- ۳-۳-۱-۲-۱ انواع تعهد و تأثیر آن در اثبات مسئولیت قراردادی ۶۲
- ۱-۳-۱-۲-۱-۲-۱ تعهد به وسیله ۶۳
- ۲-۳-۱-۲-۱-۲-۱ تعهد به نتیجه ۶۴

ب

فصل دوم

تبیین دیدگاه‌ها در رابطه با مسئولیت مدنی پزشک در حقوق ایران

با مطالعه‌ی تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق انگلستان

- ۱-۲ دیدگاه‌های فقهی ۷۱
- ۱-۱-۲ قول مشهور فقها ۷۱
- ۲-۱-۲ قول غیرمشهور فقها ۷۲
- ۳-۱-۲ ادله‌ی استنادی فقها ۷۳
- ۱-۳-۱-۲ روایات ۷۳
- ۲-۳-۱-۲ اجماع ۷۶
- ۳-۳-۱-۲ اطلاق برخی از قواعد فقهی ۷۹
- ۱-۳-۳-۱-۲ قاعده‌ی اتلاف ۷۹
- ۲-۳-۳-۱-۲ قاعده‌ی لاضرر ۸۲
- ۲-۲ دیدگاه‌های حقوقی در حقوق ایران ۸۵
- ۱-۲-۲ مسئولیت مدنی پزشک در حقوق ایران با مقایسه‌ی قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۸۶۱۳۹۲ ۸۶
- ۱-۱-۲-۲ مسئولیت مدنی پزشک ناشی از خطای پزشکی ۸۷
- ۱-۱-۱-۲-۲ خطای در تشخیص ۸۸
- ۲-۱-۱-۱-۲-۲ خطا در فعل ۸۸
- ۲-۱-۲-۲ مسئولیت مدنی ناشی از عدم مواظبت و مراقبت (مسئولیت مدنی پزشک ناشی از اعمال همکاران) ۹۲
- ۱-۲-۱-۲-۲ شرایط اعمال مسئولیت مدنی پزشک ناشی از اعمال همکاران ۹۴
- ۳-۱-۲-۲ بررسی مبنای مسئولیت مدنی پزشک در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۷۰ .. ۱۰۱
- ۴-۱-۲-۲ بررسی مبنای مسئولیت مدنی پزشک در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ .. ۱۰۶
- ۱-۴-۱-۲-۲ نوآوری‌های قانون جدید مجازات اسلامی ۱۱۰
- ۲-۴-۱-۲-۲ انتقادات وارده بر قانون جدید ۱۱۳

- ۳-۲ دیدگاه‌های حقوقی در حقوق انگلستان ۱۱۵
- ۱-۳-۲ مبنای مسئولیت مدنی پزشک و جایگاه تقصیر در تحقق آن ۱۱۶
- ۲-۳-۲ تحولات مبنای مسئولیت پزشکان در حقوق انگلستان ۱۲۵
- ۴-۲ مسئولیت مدنی ناشی از تکلیف به نجات جان دیگری در حقوق ایران با مطالعه‌ی تطبیقی با حقوق انگلستان ۱۳۱
- ۱-۴-۲ جایگاه تکلیف به نجات جان دیگری فقه ۱۳۱
- ۲-۴-۲ جایگاه تکلیف به نجات جان دیگری در حقوق ایران ۱۳۳
- ۳-۴-۲ جایگاه تکلیف به نجات در نظام حقوقی کامن‌لو ۱۳۴
- ۴-۴-۲ مفهوم و ارکان مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری ۱۴۰
- ۱-۴-۴-۲ ارکان مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری در حقوق ایران ۱۴۰
- ۱-۱-۴-۴-۲ بررسی مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری در رابطه‌ی پزشک و بیمار ۱۴۴
- ۲-۱-۴-۴-۲ جایگاه تکلیف به نجات جان دیگری توسط پزشکان در حقوق ایران و مسئولیت پزشک خاکی ۱۴۵
- ۲-۴-۴-۲ ارکان مسئولیت مدنی ناشی از تکلیف به نجات پزشکان در حقوق انگلستان ۱۴۷
- ۵-۲ تاثیر مبنای مسئولیت ناشی از تخلف از اجرای تعهد ۱۴۹
- ۱-۵-۲ تاثیر مبنای مسئولیت بر رژیم حاکم بر آن ۱۴۹

فصل سوم

علل رافع مسئولیت مدنی پزشک در حقوق ایران با مطالعه‌ی تطبیقی در فقه و حقوق انگلستان

- ۱-۳ رضایت زیان‌دیده ۱۵۵
- ۱-۱-۳ بررسی نظرات فقهی در باب رضایت بیمار ۱۵۶
- ۲-۱-۳ بررسی رضایت بیمار در حقوق ایران با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق انگلستان ۱۵۷
- ۳-۱-۳ شرایط اخذ رضایت معتبر ۱۶۰

- ۱-۳-۴ قتل ترحم آمیز ۱۶۶
- ۲-۳ براءت ۱۶۷
- ۱-۲-۳ قلمرو براءت ۱۶۸
- ۱-۱-۲-۳ قلمرو شرط براءت نسبت به مسئولیت کیفری پزشک ۱۶۹
- ۲-۱-۲-۳ قلمرو شرط براءت نسبت به مسئولیت قراردادی پزشک ۱۷۰
- ۱-۲-۱-۲-۳ تقصیر عمدی ۱۷۱
- ۲-۲-۱-۲-۳ تقصیر در حکم عمد ۱۷۲
- ۳-۱-۲-۳ قلمرو شرط براءت نسبت به مسئولیت قهری پزشک ۱۷۴
- ۴-۱-۲-۳ قلمرو شرط براءت نسبت به اعمال همکاران پزشکی ۱۷۶
- ۲-۲-۳ آثار شرط براءت ۱۷۷
- ۳-۳ اضطرار ۱۷۷
- ۱-۳-۳ نقش اضطرار در مسئولیت قراردادی ۱۷۹
- ۲-۳-۳ نقش اضطرار در مسئولیت ناشی از جرم و شبه جرم ۱۸۰
- ۳-۳-۳ نقش اضطرار در مسئولیت پزشک ۱۸۳
- ۱-۳-۳-۳ جایگاه اضطرار در مسئولیت مدنی پزشک در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ۱۸۴
- ۲-۳-۳-۳ جایگاه اضطرار در مسئولیت مدنی پزشک در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ۱۸۵
- نتیجه گیری ۱۸۷
- پیشنهادات ۱۹۲
- منابع و مأخذ ۱۹۴

مقدمه

بیان مسأله

امروزه با گسترش علم پزشکی و به تبع آن گسترش مراکز درمانی، تنوع عملیات پزشکی، بیماری‌ها و ورود افراد متعدد به اشتغال در عرصه‌ی پزشکی، هجوم خیل عظیم بیماران به مراکز درمانی برای درمان، بوجود آمدن مسائل جدید در عرصه‌ی پزشکی از قبیل انواع جراحی‌ها و پیوندها و... نیاز به آشنایی با حقوق و تکالیف پزشک و بیمار، برای هر دو طرف این رابطه امری انکارناپذیر است. مسئولیت مدنی پزشک از جمله مسائل مهم و پیچیده‌ای است که در حقوق پزشکی مطرح است و بیشتر پزشکان با خطاهایی درگیرند که به مسئولیتشان می‌انجامد و نیاز به دانستن این دسته از مقررات را ضروری می‌نماید؛ این که برچه مبنایی پزشک ضامن است و چگونه از مسئولیت معاف می‌گردد و باید برای رهایی از بار مسئولیت چه چیزی را اثبات کند مسائلی است که دانستن آن ضروری می‌باشد. از این منظر آشنایی با مسئولیت‌های پزشک از این جهت که بیمار خود را تسلیم مطلق پزشک می‌کند و از طرفی به دلیل وظیفه‌ی خطیری که بر دوش پزشک در معالجه‌ی بیمار، بویژه در جراحی‌ها و پیوندهای سنگین و حساس وجود دارد، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و باید مبنای مسئولیت پزشک مشخص شود تا هم بیمار با میزان مسئولیت پزشک آشنا شود و هم پزشک بتواند با تکیه بر همین قوانین و آشنایی با آن‌ها به انجام فعالیت خود بپردازد. از این رو با پیشرفت دانش پزشکی، قانون‌گذار نیز در رابطه با مبنای مسئولیت پزشک در برابر بیمار، موضع‌گیری‌های بعضاً متفاوتی نموده است و گاه با در نظر گرفتن مسئولیت مطلق برای پزشک و گاه اتخاذ مبنای تقصیر، که نمونه‌ی آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دیده می‌شود، سعی در ارائه‌ی یک مبنا برای این مسئولیت داشته است.

اهمیت موضوع

بررسی مبنای مسئولیت پزشک و این که پزشک در چه صورت در برابر زیان‌های وارده به بیمار مسئول است و همچنین در صورتی که از اعمال پزشک خسارتی به بیمار وارد شود، بار اثبات دلایل در تحقق مسئولیت مدنی پزشک بر عهده‌ی کدام‌یک از طرفین این رابطه می‌باشد، همواره از مسائل مهم و بحث بر انگیز در حوزه‌ی مسئولیت مدنی بوده و مقررات موجود در این زمینه هیچ‌گاه از نگاه تیزبین منتقدان حوزه‌ی حقوق مسئولیت دور نیوفتاده است. تغییر مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این حوزه خود نشان‌گر اهمیت مبنای مسئولیت پزشک می‌باشد.

در حال حاضر با توجه به پیشرفت‌های شگرف علم پزشکی، درصد ریسک و خطر نیز در رابطه با فعالیت‌های ناشی از این حرفه افزایش پیدا نموده و ممکن است خسارات جبران ناپذیری به بیمار وارد گردد. از طرف دیگر، ترس از لزوم جبران این خسارات نیز، جسارت پزشک را در خصوص اعمال جراحی سنگین، ممکن است تحت الشعاع قرار دهد. به همین دلیل تعیین مبنایی مشخص در رابطه با مسئولیت مدنی پزشک در قبال بیمار که هم تامین کننده‌ی حقوق بیماران باشد و هم پزشکان را در قبال اعمالی که در چارچوب دانش زمان خود انجام می‌دهند، مسئول قلمداد نکند، و همچنین استفاده از تدابیر اتخاذ شده در سایر نظام‌های حقوق از جمله انگلستان در این باره، ضرورت انجام پژوهش حاضر را توجیه می‌نماید.

اهداف تحقیق

با توجه به این که موضوع پژوهش حاضر، بررسی مبنای مسئولیت پزشک در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق انگلستان است، لذا اهداف تحقیق را می‌توان چنین برشمرد:

۱. تعیین مبنای مسئولیت مدنی پزشک در قانون تازه تصویب شده‌ی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بررسی نقاط ضعف و قوت قانون جدید در مقایسه با قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰.

۲. بررسی مبنای اتخاذ شده در حقوق انگلستان در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی پزشک و تحولات اتفاق افتاده در این حوزه در این کشور.

۳. شرایطی که عوامل معافیت از مسئولیت در رابطه با پزشک باید داشته باشند تا عدم مسئولیت پزشک در قبال خسارات وارده به بیمار توجیه داشته باشد.

سوالات تحقیق

به دنبال رسیدن به اهداف مذکور، در این پژوهش تلاش می‌شود که در حد توان به سوالات ذیل پاسخ مناسبی ارائه گردد.

۱. با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت پزشک مبتنی بر کدام یک از نظریه‌های مسئولیت مدنی می‌باشد؟ (نظریه‌ی خطا یا نظریه‌ی خطر)

۲. مبنای مسئولیت مدنی پزشک در حقوق انگلستان چیست و آیا پذیرش یک مبنای واحد در رابطه با تمام تعداتی که پزشک در برابر بیمار دارد، می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز بیماران باشد؟

۳. پزشک در چه صورت و با رعایت چه ضوابط حقوقی ممکن است در برابر زیان‌های وارده به بیمار از مسئولیت معاف باشد؟ جایگاه و نقش این عوامل در قانون ۱۳۹۲ نسبت به قانون ۱۳۷۰ کجاست؟

فرضیات تحقیق

فرضیاتی که در پاسخ به سوالات فوق می‌توان مطرح نمود، به شرح ذیل است:

۱. به نظر می‌رسد مبنای پذیرفته شده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با نظریه‌ی خطا هماهنگ بوده و پزشک در صورت تقصیر، مسئول اعمال زیان‌بار خود می‌باشد.

۲. در حوزه‌ی مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان، اصل بر تقصیر است و به نظر می‌رسد که در رابطه با مبنای مسئولیت پزشک نیز قانون‌گذار از همین اصل پیروی نموده است، هر چند در بعضی از حوزه‌ها این نظریه، دچار تحولاتی نیز شده است.

۳. به نظر می‌رسد جایگاه عوامل رفع‌کننده‌ی مسئولیت پزشک، با پذیرش این فرضیه که، مبنای مسئولیت پزشک در قانون ۱۳۹۲ تغییر کرده است، دچار تغییراتی شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به گسترش علم پزشکی و اهمیتی که قواعد حاکم در این حوزه‌ی حقوقی دارند، توجه به مبنای مسئولیت پزشک به منظور شناخت هر چه بیشتر پزشکان به حدود مسئولیت خود و آشنایی بیماران با حقوقشان در برابر پزشک، بررسی مسئولیت پزشکان همواره یکی از حوزه‌های مورد علاقه‌ی حقوق‌دانان به‌ویژه در حوزه‌ی حقوق پزشکی بوده است. به همین دلیل بعضی به بررسی مسئولیت کیفری پزشک پرداخته و بعضی دیگر این موضوع را در حوزه‌ی حقوق مسئولیت مدنی بررسی نموده‌اند. اما به دلیل این‌که تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تعیین مبنای این مسئولیت‌ها بر طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ صورت می‌گرفت، لذا آثاری که در این حوزه به رشته‌ی تحریر درآمده، به تعیین مبنای مسئولیت پزشک در قانون ۱۳۷۰ پرداخته‌اند بدون این‌که بتوانند راهکاری مشخص در رابطه با حل معضلات پیش روی قانون فوق، ارائه دهند.

در رابطه با موضوع پژوهش پیش رو، با توجه به این‌که مدت زیادی از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید نمی‌گذرد، تا آن‌جا که این حقیر جستجو نمودم، کتاب، رساله یا مقاله‌ای در این خصوص تدوین نشده است و فقط جناب آقای سید حسین صفایی در مقاله‌ای با عنوان «مبانی مسئولیت مدنی پزشک با نگاهی با لایحه‌ی جدید قانون مجازات اسلامی» به بررسی این موضوع در حد مختصر و مقایسه‌ی چندی بین قانون ۱۳۷۰ و لایحه‌ی لازم‌الاجرا نشده‌ی مجازات اسلامی پرداخته‌اند که هر چند در نوع خود قابل تقدیر می‌باشد. اما تمام

جوانب بحث را مورد توجه قرار نداده است. به جز مقاله‌ی مزبور، سایر آثاری که در حوزه‌ی مسئولیت پزشکی به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند، همگی مبنای این مسئولیت را در قانون ۱۳۷۰ بررسی نموده‌اند. از طرفی در این موضوع، مطالعه‌ی تطبیقی جدی صورت نگرفته و کسانی نیز که به بررسی تطبیقی مسئولیت پزشکی پرداخته‌اند، بیشتر تمرکزشان بر حقوق فرانسه بوده و در زمینه‌ی حقوق انگلستان با توجه به تشتت آراء موجود در این نظام حقوقی مطلب جامعی ارائه نگردیده است.

طرح تحقیق

از آن‌جا که بررسی مبنای مسئولیت پزشکی در قانون جدید، همراه با مطالعه‌ی تطبیقی این موضوع در حقوق انگلستان بیش از هر چیز در ابتدا نیازمند واکاوی مفاهیم تحقیق و بیان کلیاتی از مبنای مسئولیت پزشکی با بررسی تاریخچه‌ی موضوع همراه با بررسی و تبیین دیدگاه‌های موجود در این زمینه می‌باشد و از طرف دیگر لازم است که عواملی که باعث توجیه عدم مسئولیت پزشکی در برابر بیمار می‌شود نیز به دقت بررسی شود، لذا پژوهش حاضر در سه فصل تدوین شده است که در فصل اول نگارنده به بررسی مفاهیم و کلیات تحقیق پرداخته است. بعد از بررسی این مهم، فصل دوم تحقیق به تبیین دیدگاه‌ها در حوزه‌ی مبنای مسئولیت مدنی پزشکی پرداخته و فصل سوم نیز با عنوان عوامل رافع مسئولیت پزشکی، به بررسی این عوامل و شرایط اعتبار آن‌ها در سقوط مسئولیت پزشکی پرداخته است.

در پایان خاطر نشان می‌شود که نگارنده مدعی نیست که اثر حاضر عاری از هرگونه عیب و نقصی می‌باشد، اما تمام تلاش خود را در جهت بررسی همه جانبه‌ی موضوع انجام داده و خاضعانه دست نیاز خود را به سمت تمام پویندگان راه حقیقت که بدور از هرگونه غرض‌ورزی، با ارائه‌ی پیشنهادات و انتقادات سازنده این حقیر را مورد لطف خود قرار دهند، دراز می‌نمایم.

فصل اول

کلیات

در این فصل تلاش می‌شود تا ابتدا لغات و اصطلاحات فقهی و حقوقی بکار رفته همراه با نظریاتی که در حوزه‌ی مسئولیت مدنی مطرح شده مورد بررسی قرار گیرد و در خلال بررسی آن‌ها، سعی شده است به مناسبت، مفاهیم مطرح شده در این حوزه در رابطه با مسئولیت پزشکی در قبال بیمار نیز بررسی شود.

۱-۱ مفاهیم و تاریخچه

شاید بتوان مدعی شد که در بررسی هر پژوهش، ابتدا باید مفاهیم جاری و ساری در آن پژوهش مورد مذاقه و تعریف علمی دقیق قرار گیرد. از طرف دیگر به منظور احراز چگونگی تغییرات و پیشرفت آن موضوع در ادوار تاریخی، تاریخچه‌ای هر چند کوتاه از آن ارائه گردد. به همین دلیل در این بخش، به بررسی مفاهیم تحقیق و تاریخچه‌ی مسئولیت مدنی پزشکی در تمدن‌های اولیه، باستان، تمدن اسلامی و عصر جدید می‌پردازیم.

۱-۱-۱ مفهوم مسئولیت مدنی و ارکان آن

مسئولیت مدنی به معنای عام آن، همان الزام به ترمیم جبران خسارات ناشی از نقص قانون و یا قرارداد و یا عرف را گویند.

شناخت دقیق شرایط و آثار مسئولیت مدنی مستلزم شناخت مبنای آن است که در سیستم حقوقی جدید، مبانی مختلفی در رابطه با آن ارائه گردیده است که با مبانی حقوق اسلامی نیز قابل تطبیق است. بدین دلیل قوانین و مقررات اعم از این که بر مبنای قواعد فقهی تنظیم شده باشد یا اینکه از حقوق خارجی (در مواردی که با فقه اسلام تعارض نداشته باشد) اقتباس شده باشد، دارای مبانی مختلفی می‌باشند. در این مبحث برآنیم تا با کمک نظرات حقوق‌دانان برجسته‌ی نظام حقوقی ایران و انگلستان، مسئولیت مدنی را تعریف و ارکان آن را تعیین نماییم.

۱-۱-۱-۱ مفهوم مسئولیت مدنی

واژه‌ی مسئولیت در لغت، مصدر جعلی و از ریشه‌ی سوال به معنای ضمانت، ضمان، تعهد و مواخذه می‌باشد و مسوول که اسم مفعول است، به معنای «کسی که از وی سوال کنند»، «سوال شده»، «پرسیده شده» و «سوال کرده» آمده است.^۱

در اصطلاح حقوقی مسئولیت عبارت است از، تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگران وارد کرده است. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی یا ناشی از فعالیت او باشد.^۲ به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی، عبارت است از، ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است.

در حقوق انگلستان مسئولیت مدنی یک خطای مدنی است که بیشتر علیه اشخاص (اعم از اشخاص حقیقی و یا حقوقی) مطرح می‌شود و کمتر علیه دولت‌ها رخ می‌دهد.^۳

مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد، فرق نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است، جرم باشد یا شبه جرم. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است، گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. این قاعده منطقی و عادلانه از دیرباز وجود داشته که «هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در مواردی که، اضرار به غیر به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است، ناروا و نامتعارف جلوه نکند» این قاعده نظیر همان چیزی است که در فقه تحت عنوان «من تلف مال الغیر فهو لهو ضامن» ذکر شده است.

مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای حقوق مدنی، نقش حساس و مهمی را در مطالبه و استیفای حقوق افراد و در نتیجه تنظیم روابط اجتماعی و حقوقی باز می‌کند، بدون

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه تهران، جلد ۲، موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸۲۱.

۲- محمد جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، تهران، بنیاد راستاد، ۱۳۶۲، ص ۶۴۲.

۳- مهرباب داراب‌پور، اصول کلی مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی انگلستان، فصل‌نامه‌ی دیدگاه حقوقی دانشکده‌ی علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۴۵ و ۴۴، سال ۱۳۸۷، ص ۶۷-۹۹.

تصور وجود مسئولیت مدنی، حق مفهوم واقعی و عینی خود را از دست داده و جنبه فکری و ذهنی به خود می‌گیرد.

۱-۱-۲ ارکان مسئولیت مدنی در حقوق ایران

برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن ضروری است:

۱) وجود ضرر: هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است لذا وجود ضرر به طور طبیعی مقدم بر جبران آن خواهد بود. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این باره چنین آمده است:

«هر کس بدون مجوز قانونی... لطمه ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

۲) ارتکاب فعل زیان بار یا نامشروع: ایراد ضرر به دیگری باید با فعل نامشروع انجام گیرد، تا قابل جبران باشد، در این باره نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی چنین می‌گوید:

«هر کس بدون مجوز قانونی... فعلی انجام دهد که موجب زیان دیگری شود، ضامن است».

اما در صورتی که فعل مشروع باشد مثل دفاع مشروع، اگر موجب خساراتی شود، مسئول خسارات نخواهد بود؛ همان طوری که ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی نیز مؤید آن است.

۳) رابطه سببیت: صرف وجود ضرر و ارتکاب عمل نامشروع موجب جبران خسارت نمی‌شود و باید بین ضرر وارده، عامل و فعل زیان بار، رابطه سببیت احراز شود به طوری که عرف نیز به آن شهادت دهد.

۱-۱-۳ ارکان مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان

عناصر مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان نیز عبارتند از: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیان بار یا نامشروع و رابطه‌ی سببیت بین این دو. البته در بررسی فعل زیان بار باید به نقش تقصیر نیز مسئولیت پردازیم.

۱) ورود ضرر: در رابطه با ورود خسارت در حقوق انگلستان، باید به میزان، نوع خسارت و عرف توجه کنیم. به ویژه از این جهت که عرف نقش مهمی در حقوق کامن لو دارد، لذا عامل عرف و نقش آن در مسئولیت مدنی دارای نقش ویژه ای است. اعمالی که از مصادیق ورود ضرر و لذا عاملی در تحقق مسئولیت مدنی هستند، در حقوق کامن لو متعدد و متفاوت است. افعالی مانند تعدی به حقوق و اموال افراد^۱، سلب آسایش مردم، ایراد جراحات غیر عمدی و غیره.

ورود ضرر ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد. بر طبق حقوق انگلستان، ضرر مستقیم، سبب مسئولیت مدنی می شود و زیان زنده، در این موارد نیازی به اثبات تقصیر عامل زیان ندارد.

البته به عنوان یکی از نتایج تحولات اخیر، در حال حاضر توجه و تمرکز اصلی بیشتر به ماهیت عمل خوانده قرار دارد. در قضیه «فاولر علیه لایننگ»^۲ رأی داده شده که در خصوص تجاوز غیر عمدی خوانده به مال یا حق خواهان، خواهان باید وقوع تقصیر را از جانب خوانده اثبات نماید. اما باید توجه داشت که در حقوق انگلستان در تمام موارد به منظور تحقق مسئولیت مدنی نیازی به اثبات تقصیر زیان زنده نیست.

اگر یک عمل ارادی به میزان لازم مستقیم و بلافاصله باشد، بدون نیاز به اثبات وقوع ضرر، تحت عنوان تعدی به اموال یا حقوق قابل تعقیب قضایی است. هم چنین در مواردی که عمل زیان بار منجر بر وقوع خساراتی غیر عمدی، ولی قابل پیش بینی باشد، امکان طرح دعوا تحت عنوان، «ارتکاب تقصیر از جانب خوانده» نیز مسیر است.^۳

با این حال اگر عمل زیان بار با قصد ورود ضرر همراه باشد، اما قصد مزبور به آن اندازه مستقیم نباشد که تعدی به حقوق یا اموال افراد مصداق پیدا کند، امکان اقامه دعوا وجود دارد.

1- trespass

2 - Fowler vanning (HC,1959)

۳- ورا برمینکهام، شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان، مترجم، سید مهدی موسوی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲.

به منظور آن که ورود ضرر محقق شود، باید عمل خواننده، یک عمل ارادی و شامل یک فعل (در مقابل ترک فعل) باشد. بنابراین در اثبات ورود ضرر، خواننده از روی عمد عملی انجام می دهد یا اظهاراتی بیان می دارد که از دید عرف، منجر به صدور یک صدمه و خسارت جسمی به خواهان می گردد و لذا از این منظر مسئولیت مدنی محقق می شود.^۱

۲) ارتکاب فعل زیان بار یا نامشروع (تقصیر)^۲: تقصیر به عنوان یکی از مصادیق شبه جرم، عبارت است از «نقض تکلیف فرد مقصر (خواننده) در خصوص لزوم اعمال مراقبت منطقی در قبال زیان دیده (خواهان)»، خسارت ممکن است ناشی از خطا^۳ یا اهمال^۴ باشد، و می تواند خسارت شخصی (آسیب جسمانی) خسارت مالی یا هر آن چه که تحت عنوان خسارت اقتصادی خالص^۵، قابل طبقه بندی است را در بر بگیرد و حتی ممکن است شامل آسیب روانی و روحی باشد.^۶

در مسئولیت مدنی، الزام به اعمال مراقبت منطقی، سبب می شود که در صورتی که مراقبت منطقی صورت نگیرد، فرد مرتکب تقصیر می شود. قاعدهی مزبور برای تشخیص این مسأله به کار می رود که آیا در قضایای تحت رسیدگی، تکلیفی برای اعمال مراقبت منطقی وجود داشته است یا نه؟

به منظور این که بتوانیم احراز نماییم که در مسئولیت مدنی ناشی از قرارداد، چه منفعی تحت نظام مسئولیت مدنی قرار می گیرد باید چند شرط داشته باشد: اول اینکه قابلیت پیش بینی داشته باشد، ثانیاً یک توالی عرفی بین طرفین رابطه ضروری می باشد از طرف دیگر تحمل تکلیف به اعمال مراقبت بر خواننده، می بایست منطقی و منصفانه نیز باشد.

۱- همان، ص ۲۲.

- 2 - negligence
- 3 - Misfeasance
- 4 - nonfeasance
- 5- pure economic loss

۶- همان، ص ۴۱.

باید توجه نمود که برخی روابط خاص، منتج به یک تکلیف قانونی می‌شوند به نحوی که اگر بی توجهی یکی از طرفین رابطه منجر به ورود خسارت طرف دیگر رابطه گردد، به طرف زیان دیده حق اقامه دعوی جبران خسارت علیه طرف دیگر را خواهد داد.^۱

در حقوق انگلستان قاعده ای به نام «اصل مجاورت»^۲ شناخته شده، که بر طبق آن بحث بر سر آن است که «شما باید مراقبت منطقی را با هدف جلوگیری از تحقق فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی که از دید شما، منطقی و عموماً منجر به ورود خسارت به افراد مجاور شما می‌شوند معمول دارید. حال از نگاه حقوق چه کسی مجاور با من به شمار می‌رود؟ به نظر می‌رسد پاسخ شامل افرادی باشد که به طور مستقیم و بلا واسطه، آن قدر تحت تأثیر عمل من قرار گیرند که به طور منطقی ملزم باشم متاثر شدن ایشان از عملم را در زمانی که به فعل‌ها و ترک فعل‌هایی که در مقام ثبوت وجود دارند، می‌اندیشیم، محتمل بدانم».^۳

اهمیت این قاعده بدان جهت است که سبب شد تقصیر مستقلاً به عنوان یک شبه جرم مورد شناسایی قرار گیرد و مبانی لازم برای توسعه مفهوم تقصیر از طریق دعاوی و موقعیت‌های جدید در رویه قضایی ایجاد شود.

یکی دیگر از شرایط لزوم جبران خسارت در مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان این است که خسارت قابل پیش‌بینی باشد.^۴ بنابراین حتی اگر از اوضاع و احوال قضیه چنین برآید که تکلیف به مراقبت محقق می‌باشد، اما اگر این امر ثابت شود که ورود آسیب به خواهان در اثر عمل خوانده، غیر قابل پیش‌بینی بوده است، رای به نفع خواهان صادر نخواهد شد.

بنابراین در هر قضیه‌ای قابلیت پیش‌بینی، توالی و منصفانه و منطقی بودن، شروط لازم برای احراز تکلیف مزبور هستند و ماهیت خسارت هیچ تأثیری در این فرضیه ندارد.^۵

۱- برای مطالعه‌ی بیشتر مراجعه کنید به همان، ص ۵۱ تا ۵۱۱.

2- neighbour principle

۳- ورا برمینکهام به نقل از لرد آرتین، در قضیه «رونوق علیه استیونسون سال ۱۹۳۲»، همان، ص ۴۲.

۴- همان، ص ۴۳.

۵- (HL, 1995), Marc Rich & co.v.Bishop Rock Marine CO.Ltd, به نقل از ورا برمینکام، همان، ص ۴۶.

به علاوه هر یک از شروط سه‌گانه‌ی مزبور به تعداد و تنوع عواملی از جمله موقعیت طرفین و چگونگی رابطه آن‌ها با یکدیگر، ماهیت آسیب وارد شده و شیوه‌ی خاصی که خسارت از طریق آن وارد شده است، بستگی دارد. برای مثال در جایی که ارتکاب یک فعل مثبت (در مقابل ترک فعل، یا فعل منفی) از سوی خواننده موجب ورود آسیب جسمی یا مالی مستقیم به خواهان شود، قابلیت پیش‌بینی منطقی چنین آسیبی به طور کلی به فرض وجود سایر شرایط سه‌گانه‌ی لازم برای تحقق تکلیف به اعمال مراقبت منطقی، کفایت می‌کند.^۱

قضات دادگاه‌ها این امر را پذیرفتند که قابلیت پیش‌بینی منطقی خسارت وارده، به تنهایی برای تحقق مسئولیت کفایت نمی‌کند. زیرا امکان تأثیرگذاری اطلاعات ارائه شده به طور بالقوه اندک بوده است. ایشان هم چنین بر لزوم وجود «یک رابطه خاص» تأکید کردند. از دید ایشان یک رابطه خاص در مواردی وجود دارد که از دیدگاه خواننده، خواهان بر توانایی یا مهارت یا قضاوت او در زمینه انجام یک بررسی محتاطانه و دقیق تکیه کرده باشد و در عین حال، تکیه خواهان بر موارد مزبور، براساس اوضاع و احوال خاص قضیه منطقی بوده باشد.^۲

در قضیه «هندرسون علیه مرت سندیکانس لیمیتد»^۳ دادگاه رای داد که در مواردی که فرض می‌شود یک شخص مسئولیت ارائه خدمات تخصصی یا شبه تخصصی به دیگری را دارد، رابطه میان آن‌ها به تنهایی برای تحقق مسئولیت ارائه دهنده خدمت کفایت می‌کند. اگرچه در بسیاری از موارد، ارتباط میان طرفین مبتنی بر قرار داد است ولی در قضیه هندرسون رای داده شده که این امر مانع از تحقق مسئولیت مدنی نمی‌شود.

در قضیه «موچوال لایف اند سیتیزنز اشورنس کولیمیتد علیه اوات»^۴، مسئولیت مشاوران تخصصی و نیز افرادی که خود را در زمینه خاص به عنوان متخصص معرفی می‌نمایند از محدودیت برخوردار است. از سوی دیگر اقلیت قضات معتقد بودند که مسئولیت هنگامی

1- See, eg, lord oliver in *Murphy v. Brentwood District council* (HL1999)

۲- ورا برمینکام، همان، ص ۴۷.

3- *Henderson V. Merrett Syndicates Ltd* (HL, 1994)

4 - *Mutual life & Citizens Assurance Co. Ltd. v. Evatt* (pc, 1971).

ایجاد می‌شود که صاحب یک شغل در رابطه با شغلش اطلاعاتی را به شخص در مورد کسب اطلاعات و راهنمایی لازم برای انجام یک عمل خاص است، ارائه نماید. به عنوان یک قاعده کلی، خواننده ملزم نیست تا برای جلوگیری از ورود آسیب به دیگران، به انجام فعل (در مقابل ترک فعل) خاصی مبادرت نماید. برای این اساس کسی که به هنگام خطر به یاری دیگران می‌شتابد به طور قطع از حیث قانونی ملزم به انجام این کار نبوده است.^۱

۳) **نقص عهد:** به منظور تحقق نقص عهد، باید بعد از اثبات تکلیف خواننده به اعمال مراقبت منطقی، این امر باید ثابت شود که خواننده تکلیف خود در این زمینه را انجام نداده است. در پرونده‌ی «بلایت علیه بیرمنگهام و اتروکزکو»^۲، تقصیر به شرح ذیل تعریف شده است:

«تقصیر عبارت است از عدم انجام امری که یک فرد معقول و متعارف در راستای انجام رفتار معمول انسانی در انجام اموری انجام می‌دهد و یا انجام کاری که یک فرد معقول و متعارف آن را انجام نمی‌دهد».

بنابراین به عنوان نمونه یک مسأله‌ی حقوقی، معیار عدم ارتکاب تقصیر توسط خواننده، این است که از دید یک فرد معقول و متعارف فرضی، عمل خواننده در مجموع غیرعادی و عجیب نباشد.^۳

تقصیر و بررسی رفتار متعارف در هر موضوع خاص باید جداگانه بررسی شود، لذا در هر شرایطی به آن طور که صلاح می‌داند، استانداردهای حداقلی یا حداکثری را اعمال نماید. به عنوان مثال در مواقعی که نوع فعالیت خواننده از جمله اعمالی است که فعالیت پرخطر تلقی می‌شود، اعمال حد بالایی از استاندارد، موجه به نظر می‌رسد.

۱- ورا برمینکام، همان، ص ۴۹.

2 - Blyth v. Birmingham Waterworks Co. (EX, 1859).

3 - Glasgow Gr poration v. Muir (HL 1943).

در بررسی مفهوم تقصیر و احراز فعل مقصرانه، عوامل مختلفی می‌توانند درگیر باشند، از جمله این که نوع فعل انجام شده، از نوع ارائه خدمات اجتماعی بوده یا نه، هزینه اقدامات پیشگیرانه در حد معقول بوده یا خیر؟ شخصیت خواننده به چه نحو بوده است؟ آیا به عنوان مثال بی تجربگی یا ضریب هوش پایین می‌تواند معیار توجیه رفتار مقصرانه خود باشد؟ به طور کلی شخصیت و ویژگی‌های فردی یک خواننده جزء معیارهای حقوقی انتساب مسئولیت نیست و لذا خواننده نمی‌تواند به استناد عامل مزبور از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند.

۴) سببیت: در بسیاری از موارد مسئولیت مدنی از تقصیر ناشی می‌شود، تنها در صورتی که خواهان نتواند ثابت کند که شبه جرم ارتکاب یافته توسط خواننده سبب ورود خسارت به او شده است، دعوی او رد خواهد شد و اگر موضوع دعوا، شبه جرمی باشد که ذاتاً قابل تعقیب است، صرفاً مطالبه جبران خسارات جزئی مقدور خواهد بود. حتی اگر خواهان بتواند وجود رابطه سببیت را به نحو مطلوب ثابت کند ولی از دید حقوق، اقدام خواننده علت وقوع خسارت محسوب نشود یا به عبارت دیگر، خسارت وارد شده بیش از حد غیر مستقیم باشد، دعوی خواهان رد خواهد شد.^۱

در ابتدا اثبات این مسأله ضروری است که اقدام خواننده علت تامه و سبب وقوع خسارت بوده است و تلقی شدن عمل او به عنوان روح یا علت عمده یا یکی از عناصر مادی تشکیل دهنده خسارت موضوع بحث ما نیست. در راستای تبیین این مسأله، استفاده از قاعده «صرفاً به دلیل»^۲ متداول است. کاربرد این قاعده تعیین مسئولیت مدنی نیست؛ بلکه هدف آن صرفاً حذف عواملی است که تاثیر سببی در وقوع خسارت نداشته اند. قاعده مزبور بیان می‌دارد که «اگر خسارت به جهت وقوع یک تقصیر خاص واقع نمی‌شد، در این صورت آن تقصیر سبب وقوع خسارت مزبور تلقی می‌گردد و اگر وجود یا عدم وجود تقصیر در تحقق خسارت به یک میزان مؤثر بوده باشند، تقصیر صورت گرفته علت وقوع خسارت محسوب

۱- ورا برمینکام، همان، ص ۹۱.